

# عشق و حقوق زیر یک سقف

● با خاتمه عشق باید زندگی را  
بهم ریخت، با آغاز عشق باید  
زندگی را شروع کرد.

● توصیه من به آقایان این است که خانمها را وادار به  
لجبازی نکنید.

حقوق زن و عشق، محور اصلی گفت و گوی ما با دکتر میر محمد ولی مجد تیموری روان پزشک و استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران بود. او که سالهاست زندگی، کار و اندیشه‌اش را وقف راهنمایی و مشاوره خانواده‌ها کرده است با تواضع و فروتنی ما را به حضور خود پذیرفت و آنچنان زیبا و دلنشین از رابطه میان زن و مرد، رمز پایداری و دوام کانون خانواده سخن گفت که متوجه گذشت زمان نشدیم ... آنچه در پی می‌آید حاصل اولین گفت و گوی صمیمانه ما با اوست.

## ● زن، حقوق، خانه‌داری

- به نظر شما زن در خانه چه حقوقی دارد و رعایت آن از طرف همسر چه تأثیری بر تفاهم آنها خواهد داشت؟

- نکته‌ای که می‌فرمایید یکی از متون شاخص ذهن من است. چون سالها با مردم کار کرده‌ام و مشاوره زندگی زناشویی آنها را انجام داده‌ام. این افتخار را مردم به من داده‌اند. در کل احساس من این است که چیزی تحت عنوان «حقوق زن» اصلاً در جامعه بین‌الملل، در اسلام و در کشور ما یک موضوع امروزی و دیروزی نیست. این داستانی است که ریشه‌های تاریخی دارد. یکی از این ریشه‌های تاریخی قیام زنان است که دوره «زن سالاری» را بنا کرد. یعنی آن دوره آنقدر اختلافات، مشکلات و مسائل در قوم بدوی پیش آمد که زنان را این طور پرخاشگر کرد که سالهای طولانی و قرن‌ها گفتند «ما رئیسیم!» بعد در حرکت‌های کوچک و تدریجی قضیه بر عکس شد. ظاهراً در طول تاریخ با بروز حرکات تدریجی آرام آرام قدرت به دست مردها افتاد. این اختلافات تاریخی همچنان ادامه داشت تا اینکه ما مواجه می‌شویم با حلول مذهب در تاریخ.

اول چیزی که این دعوا را خاتمه داد، عقاید الهی است. حلول مذهب باعث شد گفته شود این آقا

حقیق این است، این خانم حقیق این است. این دو دارند با هم زندگی می‌کنند. تا حالا کسی این حرف را نزده بود. آن حقوقی که برای انسان و زن و مرد در دوران بسیار قدیم قابل شده بودند، همان حقوقی است که ما در قوانین «مونستکیو» می‌بینیم که بعد همان را در حقوق بین‌الملل و در تعالیم الهی دیدیم. مثلاً توجه ویژه‌ای از حضرت محمد (ص) نسبت به زن مشاهده می‌کنیم. توجه و احترام خاصی ایشان به حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه (س) داشتند. توجه مسیح (ع) به زنها همه گویای این است که انسانهای الهی به زن نه به عنوان اینکه حقیق را باید داد. بلکه با نوعی ملاحظت و مهربانی نگاه می‌کردند. من اگر خلاصه بکنم حقوق را در عشق، می‌خواهم صراحتاً عرض کنم وقتی ما کسی را دوست داریم اصلاً حقوق مطرح نیست. همه چیز ما برای اوست. بنابراین او می‌خواهد بنشیند. کار نکند. می‌خواهد بایستد و ... دیگر حساسیتی نشان نمی‌دهیم. وقتی شما بچه‌ای را دوست دارید. کسی را دوست دارید. واقعاً چه حقوقی برایش قابلید؟ و اگر عشق نباشد حقوق مطرح نیست. وقتی مردی زنی را دوست ندارد. کوچکترین حقی برای او قابل نیست. من در مشاوره خانوادگی سالها تجربه کرده‌ام.

## ● چه کسی رئیس است؟

آقایان و خانمهایی که همدیگر را دوست دارند اصلاً در زندگی این دعوا را ندارند. اگر در یک خانواده‌ای این سؤال مطرح باشد که چه کسی رئیس است. آن خانواده خود بخود محکوم به شکست خواهد شد. منظور این است این خانه مشترک است. کار مشترک است. تکالیف مشترک است. آقا می‌گوید: من چکار کنم که شما خسته نشوید. این پیام مردهایی است که زنهاشان را دوست دارند. خیلی راحت دارم می‌گویم یعنی کاری که همین فردا بشود انجام داد. بهترین مثال ما

ارتباط آغازی زن و مرد به صورت دوره نامزدی است. به این دوران نگاه کنید. اصلاً حقوق چطور است؟ حقوق این طور است که خانم هر اشتباهی می‌کند. هر اتفاقی می‌افتد. آقا اصلاً نمی‌بیند. می‌گویم آقا ایشان وعده دادند ساعت چهار بعد از ظهر فلان خیابان باشند. حالا دیر رسیده‌اند آقا می‌گوید عیب ندارد. ترافیک است. مشکلات هست. یعنی به نفع زن توجه می‌کند. همین دو تا وقتی ازدواج کردند، بعد از ازدواج دو دقیقه ناهار دیر حاضر می‌شود آقا فریادش به عرش می‌رود. تو هنوز نفهمیدی مرد که به خانه می‌آید سفره باید حاضر باشد. خاتم دلیل می‌آورد فرصت نشد. رفتیم وسایل غذا بخیریم. دکان بسته بود. آقا قبول نمی‌کند. اینجا چون زن و شوهر با هم اختلاف دارند، مرد احترام به خانم را فراموش کرده است. در نتیجه حقوق زن از بین رفته است. می‌خواهم راحت بگویم رابطه بین دوست داشتن و حقوق زن در جامعه فقط قضایی نیست. تئوری نیست. یک چیزی نیست که روی کاغذ بیاوریم. شماره بگذاریم یک، دو، سه و ... شکی نیست ما اول باید وجود زن را دوست داشته باشیم. به عنوان مادر. به عنوان خواهر. دختر و بعد از آن برای ایشان حقوق قابل می‌شویم. مثلاً کدام مردی حاضر است برای دخترش که می‌خواهد مدرسه برود. کیف و کفش تهیه نکند یا پول تو جیبی ندهد. کدام مردی حاضر است اگر دخترش در مدرسه با دوستش دعوا کرد، بدی کرد. در مدرسه حاضر نشود. یا مادر. فرق نمی‌کند. حالا چرا این کار را می‌کنند چون دختر را دوست دارند. می‌خواهم صراحتاً بگویم رابطه نزدیکی هست بین عشق. دوست داشتن و حقوق. برعکس این قضیه هم درست است. خانمی که آقا را دوست دارد برای ایشان حقوقی قابل است.

## ● هر چه آقا بگوید!

البته خانمهای مملکت ما

● اگر در خانواده‌ای این سئوال مطرح باشد که چه کسی رئیس است؟ آن خانواده خود بخود محکوم به شکست خواهد شد.

● زن ایرانی کاسه‌اش خالی است.

مرد مجبور می‌شود به او بگوید: خانم، چرا برای خودت چیزی نمی‌خوری؟

● وقتی عشق از حقوق جدا شد، هم مرد و هم زن از حقوق خود بی‌بهره می‌مانند.

بیاوریم. آقا این حقوق توست. خانم این حقوق توست. باید لباس بشویی. غذا بپزی ... زندگی باید بدون این حرفهای بیخودی باشد. در زندگی زناشویی زن و مرد بایستی در کنار هم باشند. حتی در بزرگ کردن بچه. بهداشت بچه که کار مخصوص خانمهاست. در بهداشت خانه. در تمام کارها. آقایان می‌توانند حضور داشته باشند. اگر بتوانند، حوصله کنند. بهتر است بگویم اگر دوست بدارند. مثلاً یک بچه کوچولو که متولد می‌شود. من حساب کرده‌ام که این بچه سه شیفته هشت ساعته پرستار می‌خواهد. این سه تا شیفته را در حقیقت کی انجام می‌دهد؟ خانم به عنوان مادر. حالا او چقدر می‌تواند کار کند. از ما می‌افتد دیگر، جانی برایش باقی نمی‌ماند. این خانم نباید غذا بخورد. به خودش برسد. جلوی آینه برود. نباید به بهداشت خودش برسد ... اگر بخواند این کارها را بکند بچه نمی‌گذارد. در این سه شیفته، پرستار که نمی‌گیریم، پول که نداریم - تازه ما روان بزشکها می‌گوییم پرستار نه، مادر باید از بچه مراقبت کند. بچه را بزرگ کند - حالا مادر را گذاشته‌ایم با یک بچه کوچولو و سه شیفته مراقبت تمام وقت که مادر باید انجام بدهد. آیا این خانم بعد از سه ماه بدنتش خسته نخواهد شد؟ حالا این سه تا هشت ساعت را آقا می‌تواند کمک کند. یک هشت ساعت سرویس بدهد. معمولاً آقایان ترجیح می‌دهند در سرویس شب بخوابند. من از آقایان خواهش کردم واقعاً بعضی شبها بیدار شوند ببینند این زن بیچاره چه کار می‌کند. چه گناهی کرده است. سی دفعه بیدار می‌شود. بچه را تمیز می‌کند. گاهی یک شیفته را شما کمک بدهید. مثلاً می‌گوییم تا ۱۲ من بیدارم ۱۲ به بعد تو بیدار باش. اگر ما یک چنین تعاملی را پیاده کنیم حتی برای بزرگ کردن بچه، خانم سرحال است. عمرش طولانی است. آقا سرحال است. عمرش طولانی است. بچه هم کیف می‌کند می‌بیند دو نفر از او پذیرایی می‌کنند، پدر و

خانه من آمده است. این موضوع باعث می‌شود که ما اصلاً برای ایشان یک حرمت خاصی قابل شویم. شما حتماً مقایسه کرده‌اید خانواده‌هایی را که ایمان مذهبی دارند. با خانواده‌هایی که هیچ ایمان مذهبی ندارند. اینها چطور زندگی می‌کنند. البته خانواده‌هایی که به تساوی کامل اعتقاد دارند هم در دنیا زیادند. کاسه را من شستم، کوزه را تو بشوی. من کار بیرون کردم، تو کار خانه را بکن. اما آنهایی که این طور فکر نمی‌کنند بدون درخواست بلند می‌شوند به خانمشان کمک می‌کنند.

● یار هم باشید.

یک موضوع دیگر را هم برایتان بگویم. آن موضوع بزشکی است در این شکی نیست. هر کسی که بیشتر تلاش کند، بیشتر کار کند، زودتر فرسوده می‌شود. در خانه یک زن داریم. یک مرد، تعدادی بچه. اگر تمام کارهای خانه به عهده خانم باشد ایشان بخرد، بشوید، بپزد. این دور همچنان بچرخد. خانم خانه زود فرسوده خواهد شد. اما اگر مرد به عنوان یک شوهر، یک دوست به بعضی کارهای خانم کمک کند. این خانم دیرتر فرسوده می‌شود. این یک چیز واضح است. بنابراین ما چکار کنیم؟ کاسه بشویم، کوزه بشویم نداریم. هر جایی که احساس کردیم این خانم باید بنشیند یک فنجان چای بخورد، حرکت کنیم. یعنی کمکهایی که همیشه از ما می‌پرستند در داخل خانه چه جور است؟ چه فرمی است؟ اعتقاد دارم حدودی ندارد. ما چون این زن را دوست داریم، کمک به او حدودی ندارد. طرف می‌شویم، چارو می‌کنیم، عیبی ندارد. بعد ما خسته می‌نشینیم. ایشان کمک می‌کند. این یعنی زندگی با تعامل و توافق که پاسخگوی بسیاری از سئوالها و حدود زندگی است. می‌خواهم به عنوان مشاور راحت بگویم، هیچ احتیاجی نیست در زندگی دفتر و کتاب قانون

خیلی برای آقایان حقوق قایلند. به نظر می‌آید بیشتر از خود ما مردها، ما را دوست دارند. وقتی از یک زن بپرسید حقوق شوهرت چیست؟ اصلاً حقوقی دارد یا ندارد؟ می‌گوید همه چیز مال اوست. هنوز زنان محترم مملکت ما اعتقاد دارند، هر چه آقا بگوید. برای اینکه ما را دوست دارند. از آقا می‌پرسیم حقوق خانم چیست؟ می‌گوید خانه را به اسمش کردیم. هرچه داریم از اوست. اصلاً او نباشد نمی‌شود. از آقای که زنش را دوست ندارد می‌پرسیم حقوق خانم چیست؟ می‌گوید: «زن من حقوق ندارد! حقوق دیگر چیست؟ خرجش را می‌دهم کافی است.» نگاه کنید اینها چقدر بهم مربوطند. احساسات ما به حقوق.

- بدین ترتیب با آنچه شما از روابط میان زن و شوهر گفتید تدوین حقوق خانواده چه جایگاهی خواهد داشت؟

- در حقوق بین‌الملل و حقوق مذهبی ما یک، دو، سه، چهار داریم. ما نمی‌خواهیم زن و مرد را جدا کنیم. اینها هر دو انسانند. بنابراین از حقوق کلی انسانی در روی کره زمین برخوردارند. هر انسانی که خداوند خلق کرده، حقوقش را در کف دستش نوشته، این طول عمرش است. این قدر خوشبخت است. این زندگی است و ... این تقدیری است که خداوند برای ما قرار داده است. علاوه بر این در جوامع بر حسب قدمت، صنعت و پیشرفت در دفاتر و کتابهای حقوقی، قانون را نوشته‌اند. مثلاً آزادی خانمها در فلان چیز. آزادی آقایان در فلان چیز. اما عملاً می‌بینیم این حقوق رعایت نمی‌شود. این قوانین اجرا نمی‌شوند، حتی در جوامعی که به اصطلاح خودشان را پیشرفته می‌دانند. ولی در بعضی از جوامع که اعتقادات وجود دارد این قوانین اجرا می‌شود. من این را به چشم خودم دیدم. اعتقاد یک مرد این است که قیامتی هست. فردایی هست. جوابی باید پس داد. این دختر مردم با هزار امید به

## ● من به آقایان می‌گویم کار خانه نمی‌توانیم بکنیم چون خانم خانه قبول ندارد، جای که می‌توانیم بدهیم.

## ● در زندگی زناشویی، زن و مرد باید در کنار هم باشند و با تعامل و توافق زندگی کنند.

مادر. حالا بعضی کارها می‌ماند که اختصاصی برای خانمهاست. اصلاً ما مردها نمی‌فهمیم. مثلاً در آغوش گرفتن بچه، سرویس اختصاصی به بچه دادن، واقعاً ما مردها نمی‌فهمیم. این تنها از عهده خانم برمی‌آید. حالا اینجا تکلیف آقا چیست؟ آقا باید پشت صحنه به این خانم سرویس بدهد، عشق بدهد... مخصوصاً عشق که این یک دلخوشی باشد برای خانم که کارهای لازم بچه را که مرد از عهده‌اش خارج است، انجام بدهد. هر سرویسی که حق خانم است مرد به او بدهد. من گاهی که از کلمه حق استفاده می‌کنم، ته دلم می‌سوزد. حق یعنی چه؟ هر سرویسی که شایسته ایشان است. بعضی سرویس‌ها شایسته کسی است که شاید حقش نباشد. مثلاً گاهی ممکن است برای آدمی که دوستش داریم. تمام احساس و دل و مال و زندگی خودمان را بگذاریم. ولی قانون گفته  $\frac{1}{4}$ ،  $\frac{1}{8}$  و... خیلی خوب ما بیش از آن را می‌دهیم. اصلاً می‌گویم این خانم شایسته بیشتر از این چیزهاست. آنچه تکلیف شرعی ماست. جدا! آن را انجام می‌دهیم. من در زمان حیات مرد عرض می‌کنم در امور سخت خانه مرد همبای زن باشد خانه سراسر کارهایش سخت است. خانم خانه مجبور است از صبح تا شب دور خودش بگردد. بدون مواجب، بدون اضافه کار... بدون بازنشستگی. فردا هم که بچه‌ها بزرگ شدند جلوی رویش بایستند، پسر بزرگ روبروی مادر بایستد. این چه ماجرای حیرت‌انگیزی است! خانم این همه زحمت بکشد، بچه‌ها مقابلش بایستند؟! باید اینها را برای خانواده‌ها روشن کرد. بعضی کارها سخت است. اصلاً تکرار هر کاری سخت است. مثلاً ۲۰ سال خانم بخرد. بدوزد. بشوید. ببزد. بعد آقا بگوید نمک ندارد، فلفل ندارد. به نظر من این بیگاری است. در این بیگاری تمام اعضای خانه باید شرکت کنند. در درجه اول شوهر. اگر زن شوهر نداشت که مجبور نبود بیگاری کند بعد هم بچه‌ها باید همکاری کنند. کار دائمی و تکراری سخت است. غیر از اینها کار خرید خانه، نقل و انتقال به خانه جدید، تغییر دکور، اصلاً عید شده. خانه تکانی لازم است. این کارها سخت است.

### ● مردها کمک کنند!

غالباً من دیده‌ام که مردهای مملکت ما کمک می‌کنند. در تمام کارها حاضرند. مرخصی

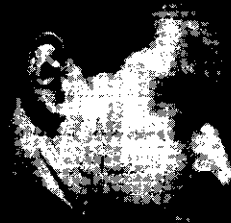
می‌گیرند، به خانم کمک می‌کنند. منتها خانمها کار کردن ما مردها را قبول ندارد. به عنوان یک مرد ما نمی‌دانیم چه چیزی را باید تمیز کرد؟ کجا گذاشت؟ اما حضور یک مرد در خانه کافی است. ایشان حضور دارد می‌گوید فدات شوم؛ قربان صدقه خانم می‌رود. می‌گوید صندلی را بردارم، کف اتاق را تمیز کنم... خانم یا می‌گوید بکن یا می‌گوید نکن. این را می‌گویند تعامل، یعنی زن و مرد هر دو کنار هم کار می‌کنند. مرد نشان می‌دهد به خاطر خانم مرخصی گرفته آمده خانه تا در خانه تکانی عید کمک کند. من به آقایان می‌گویم کار خانه نمی‌توانیم بکنیم چون خانم قبول ندارد، جای که می‌توانیم بدهیم. به اعتقاد من حضور یک مرد، در کنار زن بزرگترین حفظ حقوق زن است. اینکه ما خیال کنیم او چون خانم است، باید به ما سرویس بدهد. باید جای بدهد، ما را تیمار کند، اشتباه است؛ این ارتباط بدی است. ما از یک زن خواهش کردیم همسرمان بشود. یادمان رفته در خواستکاری چقدر خواهش کردیم. آدم فرستادیم، چقدر دیگری را واسطه کردیم تا او را به ما دادند. حالا که دادند به او بدی کنیم. بی‌زنامه معروف را ببوشیم و خانم برای ما جای بیاورد. اگر از روز اول دختر این را می‌دانست که زن ما نمی‌شد. اگر یادمان باشد. روز اول با چه سختی او را به ما دادند، تمام حقوقش را می‌دهیم. اما حقوق فقط مهریه نیست. خانم احتیاج به مسافرت دارد. باید دیدن پدر و مادرش برود. چیزی که دوست دارد بخرد. رفاه اقتصادی می‌خواهد. رفاه عاطفی و امنیت می‌خواهد. اصلاً هر چیزی که این خانم را شاد می‌کند به اعتقاد من جزء حقوق حقه اوست. هر چیزی که مجاز است.

### ● زنان قانعی هستند.

زنان مملکت ما هم هیچ چیز غیر مجاز نمی‌خواهند. واقعاً این طور که من می‌بینم زنان مملکت ما کاملاً قانع شده‌اند. مثلاً می‌خواهند برای خودشان یک پیراهن بخرند. یک خانم معتدل معقول نسبت به وضعیت اقتصادی خانواده‌اش. چیزی را انتخاب می‌کند که هم قشنگ و شایسته است و هم قیمتش ارزانتر است. این از خصوصیات زنان است. فقط باید احساس کنند که از طرف همسرشان حمایت می‌شوند. اگر خانم این احساس

را نکند، مخصوصاً چیزهایی را انتخاب می‌کند که پدر مرد را در بیاورد. وقتی خانم شوهر را دوست دارد، می‌گوید خانه مال اوست، زندگی مال اوست. مال هر دوی ماست، هر چه اینجا آمد برای هر دو ماست. هر چه از دخل بیرون رفت، مال هر دوی ماست... پس چیزهایی می‌خواهد که به نفع هر دو نفر باشد. دوامش، رنگش، فرمش طوری باشد که مرد هم خوشش بیاید. شما هم شاهدید که واقعاً زنان مملکت ما کوچکترین حرکاتی یا عملیاتی که برای ظاهر و چهره‌شان می‌کنند برای شوهرانشان است. زن از مرد می‌پرسد این رنگ خوب است. این اندازه خوب است. این لباس خوب است. ممکن است گاهی آقایان متوجه نباشند. فرصت نکنند ولی می‌فهمند گاهی که حوصله بیشتری دارند. توصیه هم می‌کنند مثلاً صورتی باشد بهتر نیست عزیزم... - اما بعضی مردها که عصبانیت در این مواقع می‌گویند باز که شروع کردی، تو که دو هفته پیش خرید کرده بودی و...

- من به این آقایان می‌گویم بهترین مدیران اقتصادی خانمها هستند. وقتی درآمد را دیدند. خودشان خرج و دخل را تنظیم می‌کنند. خوراکی، پوشاک و... مطمئن باشید از آنچه مانده برای شوهر و بچه می‌گذارند من در مورد زن ایرانی تضمین می‌کنم. زن ایرانی کاسه‌اش خالی است. مرد مجبور می‌شود به او بگوید: خانم! چرا برای خودت چیزی نمی‌خری؟... این زن را مقایسه کنید با آن زنی که برای خودش می‌رود تمام دکان را خالی می‌کند. صورت حساب می‌آورد برای شوهر. اصلاً شوهر را به حساب نمی‌آورد. ما می‌گوییم این زن مریض است... باور کنید همین طور است. مریض شاخ و دم ندارد که... این می‌شود که زن و شوهر بر علیه یکدیگر حرکت می‌کنند. با هم لجبازی می‌کنند. می‌خواهم بگویم ریشه‌های لجبازی دوجاست. یکی دوران بچگی. یکی این آقا - زن را وادار به لجبازی کرده، امیدوارم آقایان مملکت ما خانمهایشان را وادار به لجبازی نکنند. این اختراع را بدهم. اگر خانمی را وادار به لجبازی کردیم خانواده از بین خواهد رفت. یک زن می‌تواند آنقدر بافشاری کند که تمام زندگی از بین برود. زنان این طورند. اگر یک زن را آرام نگه داریم. زندگی آرام خواهد شد. توصیه من به آقایان این است. خانمها را وادار به لجبازی نکنید. آخر بعضی مردها یک طورینند. مثلاً



## ● حقوق مرد در خانه

- شما از رابطه عشق و حقوق زن گفتید، شاید برای برخی آقایان این سوال پیش بیاید که پس حقوق مرد چه می‌شود؟

- ببینید آنچه من درباره حقوق زن، عشق و دوست داشتن او گفتم، در مورد مردها نیز وجود دارد. ما مردها موظفیم وقتی کسی را دوست داریم، همه چیز خود را در اختیارش بگذاریم. هر آزادی که حق است، مجاز است، همه چیز مال اوست. وقتی این طور شود مرد هم به حقوق خودش می‌رسد. وقتی عشق از حقوق جدا شد، هم مرد و هم زن از حقوق خود بی‌بهره می‌مانند. ما درباره آن زنانه غصه می‌خوریم که در هر کشوری هیچ حقی ندارند. بخاطر اینکه محبوب نیستند، دوستشان ندارند. باور کنید این دو با هم در رابطه‌اند. مردهای مملکت ما خیلی زنهایشان را دوست دارند. حالا ممکن است شما باور نکنید. آخر من با مردها کار می‌کنم کار من مشاوره است. آن مردی که به خانم می‌گوید: بنشین خانه کار نکن. این توهین به زن نیست. می‌گوید تو زحمت نکش، تو را اذیت نکنند. این جامعه، جامعه شلوغی است. تو بنشین من کار می‌کنم. مرد می‌گوید: تو آرامش داشته باش. این آقایی که به خانمش می‌گوید تو رانندگی نکن. بگذار من بنشینم، در واقع خانمش را دوست دارد. حقش را ضایع نکرده، می‌ترسد هزار تا بلا سرش بیاید. حرف ناچور بشنود... ما مردها نمی‌توانیم تحمل کنیم به زنهایمان حرفی بزنند. از من بپرسید حقوق مرد چیست؟ می‌گویم اینجا حقوق مرد است. یک چیزهایی گفتنی نیست؛ من نمی‌توانم بگویم. وقتی آقای به خانمش می‌گوید از این آقا کمی پرهیز کن. آقای خوبی نیست. این تجاوز به حقوق زن نیست. او می‌خواهد بگوید این آقا را من می‌شناسم. آقای خوبی نیست، از او فاصله بگیر.

خانمها اعتقاد دارند آزادی ما از بین رفته، من اعتقاد دارم این طور نیست. آزادی از بین نرفته... همانطور که شما خانمها به ما مردها می‌گویید: این خانم این طور است. فلان و بهمان است. زیاد دورو برش نباش. این توصیه خیلی خوبی است که یک خانم به آقا می‌کند. می‌گوید حواست باشد. ما هم قبول می‌کنیم. نمی‌گوییم حتماً را ضایع کرده. عین این مثال برای خانم نیز هست. وقتی آقا از

## ● وقتی ما کسی را دوست داریم، دیگر حقوق مطرح نیست، همه چیز ما برای اوست.

رئیسند، صاحب عقلند، ولی در طولانی مدت متوجه می‌شوند که در طراحی، مدیریت، راهنمایی، کار، همیشه خانمها یک هستند. آقایان دو. می‌شود از یک خانم سوال کرد به نظر شما کدام محله دکان باز کنیم بهتر است. می‌گوید چون دکان سوپر است اینجا که خانه مسکونی زیاد است؛ مردم ما نیاز می‌خواهند. اما از یک مرد بپرسید می‌رود بیابانهای فلان منطقه شهر را که در آن نه خانه‌ای هست نه آدمی انتخاب می‌کند. آقایان خیال می‌کنند مغز تجاری و اقتصادی خوبی دارند. البته نه اینکه این طور نباشند، اما خانمها هم کمتر نیستند.

## ● به اعتقاد من هر چیزی که خانم خانه را شاد کند، جزو حقوق حق اوست.

برخی آقایان ضد زن هستند. این حرفهایی که من زدم مال آقایان طبیعی بود. بعضی آقایان را داریم که سایه زن را روی دیوار می‌زنند. بعضی آقایان می‌گویند زنها یک دنده کم دارند. بعضی آقایان می‌گویند زنها عقل ندارند. تمام این جملات به نظر من توهین به خالق است یعنی به خداوند توهین کرده‌ایم که شما زن را این طور آفریدید. آیا اصلاً کسی این حرف را می‌پذیرد؟ اما مردهایی که این حرفها را می‌زنند به اعتقاد من خودشان اشکال دارند. که درباره زن این طور فکر می‌کنند. آنها خیال می‌کنند برتر از زن هستند. خیال می‌کنند



بهرتر است ... مرد است دیگر. مگر شما به آقا نمی‌گویید عزیزم کت بلندتر باشد بهتر نیست ... یا این شلوار را ببوشی مناسب‌تر است.

واقعاً یکی از دعوای زن و شوهرها سر پوشش است. من همه اینها را که نمی‌توانم در یک جا خلاصه کنم. منتها یک جا خلاصه می‌کنم در همان جمله که یعنی زن و شوهری که همدیگر را دوست دارند. زن و مردی که به همدیگر علاقه دارند، برای هم احترام قایلند. مردی که زن را می‌پذیرد و ضد زن نیست، حقوق خانم کامل است. یعنی شما جان بخواهید، ارزش ندارد. هر چه دارد برای خانم است. خانم مریض شده کلیه می‌خواهد آقا می‌رود روی تخت بیمارستان و می‌گوید این کلیه برای خانم. حالا اگر شما ناراحت نشوید می‌گویم مردها در دادن حقوق به زنی که دوستش دارند باز و راحتند، در دادن عشق امساک نمی‌کنند. شاید نتوانند بیان کنند. ولی شما در جای خود می‌بینید این مرد ساکت که حالا خوابیده روی تخت برای خانم خون می‌دهد. همان حاج آقا است. بابای بچه‌ها. یعنی شما مردها را در عمل می‌بینید. فکر می‌کنم ما در حال اوج گرفتن در یک جامعه‌ای هستیم که واقعاً خانمها دارند جایگاه خودشان را پیدا می‌کنند. الان در بسیاری جاها می‌بینیم خانمها در جای خودشان قرار گرفته‌اند. هر کسی هر کاری دوست دارد انجام می‌دهد. خانمها به دانشگاهها می‌روند. مجلس می‌روند. مدیر می‌شوند. میزان خانمهایی که فعالیت اجتماعی دارند. در رأس امورند. بیشتر از هر دوره تاریخی در ایران می‌باشد ما که از این قضیه خیلی خوشحالیم منتها بعضی وقتها فکر می‌کنیم خانمها این قدر زحمت نکشند. این سخت است خانم هم درس بخواند. هم کار بیرون کند. هم شوهرداری. هم بچه‌داری. اما اگر خانمها خودشان بخواهند باعث افتخار ماست. من فکر می‌کنم دوره‌ای است که با توجه به سخنان و دیدگاههای مقام معظم رهبری و نیت خیر آقای رئیس جمهوری اصلاً وضعیت زنان نسبت به تمام مقاطع تاریخی تغییر کرده است. فکر می‌کنم قدری لب‌خند بر لبان زنان ایرانی هست. فکر می‌کنم کمتر زنی است که بگوید حقوق ما ضایع شده است. کی خانمها این طور در همه صحنه‌ها بودند و این طور موفق عمل می‌کردند. بنابراین دوران خوبی است و اگر همین طوری کار شود برای خانمها مخصوصاً با سیاستهای آقای خامنه‌ی روز به روز خانمها بیشتر موفقند و من نگرانم که نکند آقایان فراموش شوند! □

خانم می‌خواهد از فلان مرد فاصله بگیرد. خانم باید بپذیرد. آقا در لیست مهمانی خانم، اسم دو نفر را خط زده، خانم اعتراض می‌کند حق من را ضایع کرده‌ای. آقا می‌گوید هر که را می‌خواهی دعوت کن. اما این دو نفر نباشند. زن باید بگوید، باشد عزیزم دوست نداری حرفی نیست. یک چیزهایی در این رابطه است. او خیال می‌کند آن مرد به زنش نظر دارد. آخر ما همه چیز را که نمی‌توانیم بگوییم. مردها هم غالباً نمی‌گویند، سکوت می‌کنند. یا خلاصه پاسخ می‌دهند بله و خیر. وقتی ندارند توضیح بدهند. خانمها می‌گویند حق ما ضایع شده است. آقا به خانم می‌گوید می‌خواهی خرید کنی. فلان مغازه نرو. خانم اعتراض می‌کند: حتی مغازه را هم تعیین می‌کنند. آقا می‌گوید این مغازه داستانی دارد. نمی‌خواهم شما آنجا بروید. اگر چنانچه مردی پیدا شد تمام حقوق زنش را پایمال کرد ... سلب کرد. هیچ حقی در زندگی برایش حساب نکرد، هیچ عشقی به او نداد. بی‌اعتنایی کامل ... دیگر حرفی نیست. طلاق بگیرد. این زندگی بهم ریخته است. با بیان حقوق مونتسکیو نمی‌شود زندگی ساخت. با خاتمه عشق باید زندگی را بهم ریخت با آغاز عشق باید زندگی را شروع کرد. اگر دیدیم مردی نسبت به زنش هیچ علاقه‌ای ندارد، هیچ توجهی. شما به فتوای من طلاق را جاری کنید. آنجا دیگر حقوق مطرح نیست. بنابراین وقتی دوست داشتن باشد همه چیز هست. حقوق زن و مرد هم ندارد. اصلاً تمام زندگی مرد مال زن است. همه چیز مال اوست. ولی وقتی عشق و دوست داشتن نباشد، دعوا باشد، جنگ باشد، زن هیچ حقی در آن خانه ندارد، اینجا دیگر طلاق جایز است. آن چیزهایی که در رابطه با حقوق زن شنیده‌ایم در فلان کشور که مثلاً حقوق زن، شماره یک این است که می‌تواند لخت در خیابان راه برود. این چه حقوق مسخره‌ای است. آخر مرد یا زن لخت باید باشد! آدم طبق تعریف موجودی است که لباس می‌پوشد. حیا دارد، برنامه دارد. کدام مرد دلش می‌خواهد زنش لباس و پوشش خوب و مناسبی نداشته باشد. اگر مردها درباره لباس و پوشش خانمها صحبت می‌کنند اینجا همه از عشق است همان طور که خانمها درباره پوشش آقایان صحبت می‌کنند، نظر می‌دهند. بنابراین نباید خانمها شکایت کنند که این مرد حتی نوع و فرم لباس ما را تعیین می‌کند. اگر لباس شما را انتخاب نکنند لباس کی را انتخاب کنند. شما خانمش هستید. یا شما خرید آمد. خواهش کرد که خانم دامن قدش این قدر باشد. منلش این طور

● آدم وقتی سرش به کار خودش باشد، سراغ کار خلاف هم نمی‌رود که گذرش به دادگاه و زندان بیفتد ...

● خانم خانه دار: باید این مسئله در فرهنگ جامعه، جا بیفتد که هر کسی به دادگاه می‌رود، خلافتکار و قانون شکن نیست.

● دکتر زهره خسروی: هدف از طرح مسایل حقوقی زنان، زیر سؤال بردن اصل تفاهم، صمیمیت و احترام میان زن و شوهر نیست.